

نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در توسعه تکنولوژی

علی قاسمی و حمیدرضا آخوندزاده
(دانشجویان کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه امام صادق)

نظریه کوچیما در باب استفاده از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بهره‌برداری از این سرمایه‌گذاری برای پوشش تفاضل بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و تجهیز منابع مالی و همچنین استفاده از آن برای ارتقای بهره‌وری. اما از مهمترین تئوری‌های توضیح‌دهنده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بهره‌گیری از آن برای توسعه فن‌آوری‌های موجود و ورود فن‌آوری‌های پیشرفته است. برای آزمون درستی یا نادرستی این تئوری، ابتدا باید به بررسی ابعاد مختلف فن‌آوری پرداخت.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و دانش‌نهان

فراگیری دانش فنی^۶ تولید شده در دیگر کشورها (به‌ویژه کشورهای توسعه یافته) به عوامل چندی بستگی دارد. طبیعت دانش فنی تولید شده در این کشورها و قابلیت‌گیرندگی فن‌آوری توسط کشورهای واردکننده و پیرو^۷ دو رکن از ارکان این فراگیری به‌شمار می‌رود. از مهمترین اجزای تشکیل‌دهنده فن‌آوری، دانش‌نهان^۸ است. از مقدمات اصلی فراگیری دانش‌نهان، ایجاد قابلیت‌گیرندگی فراوان است که جمع و انباشت تجارب گذشته، یکی از عوامل تائیرگذار بر قابلیت جذب یک کشور است. دانش‌نهان، دانشی است که کدبندی شده و مشخص نیست. فرهنگ جوامع مختلف، که کمتر از آن سخن به میان می‌آید و در رفتار اعضای یک جامعه نمودار می‌شود، نوعی دانش‌نهان است. از بارزترین نمونه‌های وجود دانش‌نهان صنایع دستی است، زیرا برای انتقال فن‌آوری در این نوع صنایع، باید به انتقال افرادی که این دانش در ذهن آنان وجود دارد پرداخت. هر چه سهم تحقیقات و دانش در خلق فن‌آوری بیشتر باشد، به عبارت دیگر دانش پیچیده‌تر باشد، دانش‌نهان آن نیز افزایش می‌یابد. در واقع مهمترین قسمت هر دانش که قلب تپنده آن نیز به‌شمار می‌رود، دانش‌نهان است که بارزترین آن نیز محسوب می‌شود. نهان بودن دانش، به‌بنگاه خلق‌کننده دانش، اهمیت و ارزش بخشیده و مزیتی رقابتی^۹ برای او ایجاد می‌کند. انتقال فن‌آوری در دنیای معاصر کاملاً وابسته به انتقال دانش‌نهان است. این دانش در چارچوب یک تیم منسجم از مدیران اجرایی و دانشمندان

نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در توسعه فن‌آوری^۱

امروزه از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۲ به‌عنوان تسریع‌کننده رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه یاد می‌شود. بررسی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بدون در نظر گرفتن نقش شرکت‌های چندملیتی^۳ به نتایج نادرستی می‌انجامد، زیرا بیشتر این سرمایه‌گذاری‌ها را شرکت‌های چندملیتی صورت می‌دهند این سرمایه‌گذاری‌ها از مؤلفه‌های اصلی ارتقای فن‌آوری به‌شمار می‌رود ولی تحقیقات نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی نقش چندان مؤثری در توسعه فن‌آوری کشورهای در حال توسعه نداشته است. در این مقاله سعی شده است به آثاری که این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها بر توسعه فن‌آوری می‌گذارد و همچنین بازاری که در آن فن‌آوری، از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منتقل می‌شود، پرداخته شود و در پایان نیز شواهدی از کشورهای مختلف آمده است.

مقدمه

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌عنوان عنصری کلیدی در جریان عوامل تولید به‌شمار می‌رود. حمایت از آن تنها به‌خاطر جنبه تاءمین مالی نیست، زیرا در عرصه جهانی منبعی فرعی برای تاءمین مالی سرمایه‌گذاری‌ها به‌شمار می‌رود، بلکه مهمترین دلیل استفاده از آن، مدنظر قرار دادن ملاحظات انتقال فن‌آوری آن است. در پی اهمیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها در جهان امروز، تحقیقات و مطالعات فراوان در مورد آن صورت پذیرفته و محققان بسیاری به تحلیل عوامل مؤثر در ایجاد و آثار آن پرداخته‌اند. در ادبیات اقتصادی عموماً نظریه‌های توضیح‌دهنده این نوع سرمایه‌گذاری به سه گروه نظریه‌های با فرض بازار رقابت کامل، نظریه‌های با فرض بازارهای ناقص و سایر نظریه‌ها طبقه‌بندی می‌شوند. تئوری‌های توضیح‌دهنده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسیار متنوع و گسترده‌اند،^۴ از جمله حرکت این سرمایه‌گذاری‌ها به سمت کشورهای که میزان بهره‌برداری بالاتری دارند، استفاده از آن برای تنوع بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌ها و کاهش ریسک^۵،

قابل انتقال است و این تاثیر به صورت کارا فقط در محدوده بنگاه قابل انتقال است. انتقال فن آوری از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی کلیدی ترین قسمت فن آوری، یعنی دانش نهان را در بر نمی گیرد، زیرا انتقال دانش نهان از طریق تعامل فعال انتقال دهنده دانش و واردکننده آن و ایجاد تیمی منسجم از طرفین، صورت می پذیرد. از طرفی وجود قابلیت جذب فراوان برای واردکننده فن آوری ضروری است تا بتوان در تعامل فعال، دانش نهان را به دست آورد. زیرساخت های ضعیف فن آوری و فاصله تکنولوژیک فراوان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته امکان وصول به دانش نهان را برای کشورهای پیر و با منابع متعدد روبه رو ساخته است. نبود نهادهای لازم برای انتقال دانش نهان از جمله انکوباتورهای تکنولوژیک، پارک های تکنولوژیک، مؤسسه های پیش بینی فن آوری و غیره، انتقال دانش نهان را در کوتاه مدت ناممکن می سازد و تا شکل گیری این نهادها، کسب دانش نهان و توسعه تکنولوژیک امکان پذیر نخواهد بود.

هر چه دانش به روزتر و پیچیده تر باشد، میزان دانش نهان آن افزایش می یابد و جداسازی آن از خلق کننده آن دشوارتر می شود، زیرا انتقال دانش، از طریق انتقال افرادی که دانش در ذهن آنان وجود دارد، امکان پذیر خواهد شد. در صورت تمایل بنگاه دارنده دانش نهان در انتقال متخصصان خود، بنگاه پیرو، ناگزیر از انتقال کلیدی ترین پرسنل آن بنگاه است که برای بنگاه پیرو بسیار پرهزینه خواهد بود. اهمیت دانش نهان به میزانی است که در بنگاه های بزرگ، طبیعت چسبیده دانش نهان باعث می شود که دانش حتی در درون آن بنگاه نیز به سهولت منتشر نشود. محدودیت زمانی و مکانی انتشار فن آوری در درون یک بنگاه بزرگ، مشکلات انتقال فن آوری برای سایر بنگاه ها، در دیگر کشورها را دو چندان می کند و امکان پیشرو بودن در زمینه فن آوری های جدید را از کشورهای پیرو، سلب می کند. امروزه دیدگاهی مبنی بر نبود ضرورت پیمودن راهی که کشورهای صنعتی برای خلق فن آوری طی کرده اند، وجود دارد و معتقدند که از طریق راه های میان بر^{۱۱} می توان به سطح فن آوری کشورهای پیشرفته رسید که سرمایه گذاری مستقیم خارجی هم در پیشبرد راه میان بر و ارتقای فن آوری مؤثر است. شواهد تجربی نشان می دهد که کشورهای نوظاسته صنعتی^{۱۱} که از راهی میان بر برای رسیدن به سطح فن آوری کشورهای پیشرفته استفاده کرده اند نیز قسمت های کلیدی فن آوری وارداتی را به دلیل وجود دانش نهان، از خارج از مرزهای خود تاهمین می کنند. این کشورها هر چند از قابلیت های گیرندگی بالایی نیز بهره مندند، نتوانسته اند تمامی فرایندهای انتقال فن آوری را طی کنند و در عرصه جهانی همواره به عنوان کشور پیرو، باقی مانده اند.^{۱۲} کشورهای موفق همچون کره، تایوان، سوئیس و سوئد نیز همواره به عنوان استفاده کننده از فن آوری برای ارتقای صنایع موجود خود، مطرح بوده اند نه به عنوان خلق کننده دانش جدید.^{۱۳} زیرا کشورهایی که به خلق فن آوری می پردازند از زیر ساخت های قوی در علم و فن آوری (ST)، وجود نیروی انسانی متخصص، مؤسسه های تحقیق و توسعه گسترده و بودجه های کلان تحقیقاتی استفاده می کنند تا بتوانند همواره در مرزهای

فن آوری باقی بمانند.

بازار انتقال فن آوری

طبق تئوری هکچر، اوهلین (یکی از تئوری های تجارت) قدرت رقابتی کشورها با وجود سطح فن آوری یکسان، به مزیت نسبی آن کشورها و فراوانی عوامل تولید آن ها بستگی دارد. حتی در تئوری های جدید تجارت که یکسان بودن سطح فن آوری به کنار می رود نیز معمولاً استنباط می شود که هزینه انتقال آن صفر است و استفاده های اضافی از فن آوری ارزش آن را کاهش نمی دهد.^{۱۴} به عبارت دیگر، در بازار رقابت کامل، هزینه اکتساب^{۱۵} فن آوری به حداقل خود می رسد. در حالی که بازار به دلیل مسائلی از قبیل محدود بودن عرضه، حمایت از مارک تجاری، نبود تقارن اطلاعات بین واردکنندگان فن آوری و ارائه دهندگان آن و حق انحصاری مالکیت، یک بازار کامل نیست و فن آوری تحت شرایط بازار ناقص، انتقال می یابد.

در بازار ناقص قدرت چانه زنی طرفین نقشی تعیین کننده در هزینه ها دارد. نبود تقارن اطلاعاتی بین واردکننده فن آوری و انتقال دهنده آن همواره هزینه های گزافی را بر واردکننده آن وارد می سازد. شرکت های چند ملیتی که برای انتقال فن آوری از سرمایه گذاری مستقیم خارجی استفاده می کنند همواره در موقعیت ممتازتری نسبت به واردکنندگان قرار دارند. از طرفی به دلیل ماهیت بازار فن آوری که در آن شکست های فراوانی دیده می شود، حضور دولت الزامی است. دولت در کشورهای در حال توسعه به دلیل وجود دام تعادل سطح پایین حضور می یابد ولی عملکرد ضعیف نهادهای نظارتی و دموکراتیک، موجب شکست دولت می شود که خود هزینه های هنگفتی را علاوه بر شکست بازار بر اقتصاد تحمیل می کند. قدرت فراوان شرکت های سرمایه گذار در کشورهای در حال توسعه و حضور آنان در مراحل مختلف سیاست گذاری، قدرت را از مجریان در برآورده ساختن وظایفی که سرمایه گذاری مستقیم خارجی در توسعه فن آوری این کشورها متعدد شده است، باز می دارد. نمونه

بازاری از این نوع عملکرد در کشورهای برزیل و کشورهای اروپای شرقی قابل مشاهده است.^{۱۶}

شرکت های چند ملیتی و انتقال فن آوری

تفکیک ناپذیری سرمایه گذاری مستقیم خارجی از شرکت های چند ملیتی کاملاً بدیهی است زیرا آمار نشان می دهد که بیشترین





سرمایه‌گذاری‌های خارجی را سه کشور انگلستان، آمریکا و ژاپن انجام داده‌اند که شرکت‌های چندملیتی در این کشورها حضور فعال دارند.^{۱۷} امروزه ۸۰ تا ۹۰ درصد از نقل و انتقالات تکنولوژیک به کشورهای در حال توسعه را شرکت‌های چند ملیتی و از طریق سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی صورت می‌دهند. شرکت‌های چند ملیتی در واقع، تولیدکنندگان اصلی فن‌آوری‌های صنعتی به‌شمار می‌روند و سهم تحقیق و توسعه نسبت به فروش این کشورها مقادیر بسیار بالایی را نشان می‌دهد. این رقم برای شرکت سامسونگ در ۱۹۸۷، ۱۲/۶ درصد بوده است. شرکت‌های چند ملیتی از منابع فراوان مالی و نیروی انسانی متخصص بهره می‌برند و هزینه‌هایی که شکست بازار در کشورهای در حال توسعه تحمیل می‌کند برای این شرکت‌ها به مراتب کمتر است. این شرکت‌ها که هزینه‌های فراوانی را برای یادگیری و خلق فن‌آوری پرداخته‌اند، در فن‌آوری‌های پیشرفته و نوین در بازارهای بین‌المللی به‌صورت انحصاری عمل کرده و حاضر نیستند به آسانی و با هزینه‌های اندک موقعیت انحصاری خود را با خطر مواجه سازند. مطالعاتی که بر روی شرکت‌های چند ملیتی صورت گرفته نشان می‌دهد که این شرکت‌ها هنگامی اقدام به ایجاد اتحادها^{۱۸} و یا انتقال فن‌آوری (در برابر دریافت سهمی از بازار) می‌کنند که میزان دانش نهان آن فن‌آوری بسیار بالا باشد تا از آثار خارجی مثبت^{۱۹} و سرریز^{۲۰} آن به کشورهای دیگر ممانعت به عمل آید.

برای شناخت بهتر آثار سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی بر روند توسعه فن‌آوری باید تمایز بین دو نوع روش انتقال فن‌آوری (روش درونی و روش بیرونی) قائل شد. روش‌های درونی^{۲۱} مثل روش‌های سنتی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که در این روش شرکت‌های چند ملیتی که عرضه‌کننده فن‌آوری‌اند، خود کنترل و مدیریت آن را به عهده دارند. تامین سخت‌افزار و نرم‌افزار سازمان و تمامی فعالیت‌ها، از شروع فعالیت تا تولید و بازاریابی را این شرکت‌ها انجام می‌دهند و عرضه فن‌آوری و مهارت نیز در این حالت نیز از سوی کمپانی پدر^{۲۲} انجام می‌شود، که در خارج از مرزها و در کشورهای صنعتی و نزدیک مراکز تحقیق و توسعه قرار دارد. روش دیگر، روش بیرونی^{۲۳} است که یک بنگاه برای حداکثرسازی سود، از بنگاه‌های دیگر برای تولید تجهیزات و یا لیسانس خود خریداری می‌کند. در این روش برخلاف روش قبلی، کنترل در

دست بنگاه داخلی باقی می‌ماند. تفاوت این دو روش انتقال فن‌آوری، تفاوت بین دو عبارت دانش فنی^{۲۴} و دانش چگونگی^{۲۵} است. عبارت دانش فنی، به دانش و مهارتی که برای کاربردی و عملیاتی کردن فن‌آوری مورد نیاز است، اطلاق می‌شود. اما عبارت دانش چگونگی به فهم زیربنا و اصولی که در آن فن‌آوری وجود دارد گفته می‌شود که این فهم عمیق برای انتقال و تطبیق دادن فن‌آوری با شرایط هر کشور و منطقه در نهایت بهبود آن، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. هر چند دانش فنی در تمامی مراحل توسعه صنعتی مورد نیاز است ولی دانش چگونگی هنگامی که ساختارهای صنعتی پیچیده می‌شوند نقش بی‌بدیلی را ایفا می‌کند. شرکت‌های چند ملیتی هیچ‌گاه در انتقال دانش چگونگی، تمایل نشان نمی‌دهند و شواهد نشان می‌دهد که این شرکت‌ها حتی به انتقال درست دانش فنی نیز نپرداخته‌اند و فعالیت‌های در جهت تطبیق دادن فن‌آوری با شرایط آن کشور را تا مرحله‌ای به انجام رسانیده‌اند که تولید در آن کشور متوقف نشود.^{۲۶} وجود دانش چگونگی از ارکان توسعه فن‌آوری به‌شمار می‌رود و برای انجام نوآوری در فن‌آوری‌های وارداتی نیاز فراوانی به دانش چگونگی است. مشکلی که امروزه بعضی از کشورهای آسیای جنوب شرقی با خارج شدن سرمایه‌گذاران از این کشورها با آن مواجه‌اند ضعف دانش چگونگی است. این کشورها که اعتماد فراوانی به حضور سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های چند ملیتی، برای توسعه فن‌آوری خود داشتند، امروزه با پیشرفت اقتصادی و پیچیده شدن ساختارهای صنعتی خود و ناتوانی برای ایجاد نوآوری، با کاهش در رقابت‌پذیری بین‌المللی مواجه شده‌اند و به نظر می‌رسد اوضاع انگیزی که در دهه‌های گذشته داشتند در دهه‌های آتی با کاهش جدی روبرو شود.

قابلیت‌های فن‌آوری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

طبق مدل‌های اقتصادی رشد درون‌زا^{۲۷}، انباشت دانش داخلی و گسترش قابلیت‌های فن‌آورانه، نقش حیاتی در توسعه پایدار اقتصادی کشورها ایفا می‌کند.^{۲۸} جذب و بومی‌سازی فن‌آوری به قابلیت‌هایی نیاز دارد که این قابلیت‌ها به نام قابلیت‌های فن‌آورانه^{۲۹} شناخته می‌شوند. این قابلیت‌ها شاخصی برای اندازه‌گیری و اثر بخشی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌شمار

**شرکت‌های چند ملیتی
که برای انتقال فن آوری
از سرمایه‌گذاری
مستقیم خارجی
استفاده می‌کنند
همواره در موقعیت ممتاز تری
نسبت به واردکنندگان
قرار دارند**

**در بازار ناقص
قدرت چانه‌زنی طرفین
نقشی تعیین‌کننده در هزینه‌ها دارد
نبود تقارن اطلاعاتی
بین واردکننده فن آوری
و انتقال‌دهنده آن
همواره هزینه‌های گزافی را
بر واردکننده آن وارد می‌سازد**

می‌رود. رویکرد قابلیت فن آوران در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ طی شواهدی تجربی بر روی ماهیت، شدت و عوامل مؤثر در تغییر فن آوری کشورهای در حال توسعه، مطرح شد. قابلیت فن آوران بیانگر این واقعیت بود که کشورهای در حال توسعه با واردات فن آوری نمی‌توانند به توسعه پایدار دست یابند، بلکه آن‌ها برای ایجاد توسعه در فن آوری‌های خود باید به ایجاد قابلیت‌هایی برای افزایش گیرندگی در فن آوری وارداتی، بپردازند. ایجاد این قابلیت‌ها به ایجاد نهادهایی وابسته است که ذکر آن‌ها به میان آمد. این قابلیت‌ها به سه دسته قابلیت‌های بهره‌برداری از فن آوری‌های موجود^{۳۰}، قابلیت‌های بهبود فن آوری^{۳۱} و قابلیت‌های تولید فن آوری^{۳۲} دسته‌بندی می‌شوند. مطالعات صورت پذیرفته در برزیل که در دهه ۹۰ بزرگترین دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است نشان می‌دهد، آن چه از طریق این سرمایه‌گذاری‌ها به شرکت‌های داخلی سرریز شده، برای قابلیت تولید فن آوری جدید و یا بهبود آن نبوده، بلکه نازل‌ترین نوع قابلیت فن آوران، یعنی قابلیت بهره‌برداری از فن آوری، پیامد سرریز فن آوری‌های وارداتی به این کشور بوده است.^{۳۳}

تجارب کشورهای برزیل

شرکت‌های چند ملیتی که در برزیل سرمایه‌گذاری مستقیم کرده‌اند تنها به استفاده از فن آوری‌های موجود پرداخته‌اند نه انباشت دانش^{۳۴} و ایجاد قابلیت‌های فن آوران این شرکت‌ها، بخش‌های پیچیده‌تر و دارای ارزش افزوده بالاتر، همانند تحقیق و توسعه را در کشورهای خود به انجام رسانیده‌اند و فقط برای انتقال دانش فنی به این کشور گام برداشته‌اند نه انتقال دانش چگونگی، که منجر به انباشت دانش می‌شود. بنابراین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مانعی بزرگ در روند یادگیری^{۳۵} این کشور به وجود آورده است که منجر به کاهش روند انباشت دانش در این کشور شده است.^{۳۶}

روسیه

توسعه بیش از حد و انباشت سرمایه انسانی به صورتی غیرمنظم و در

مجارستان

شرکت‌های چند ملیتی نقش مهمی در اقتصاد مجارستان بر عهده دارند.



کره به جای اعتماد صرف به فن آوری های وارداتی سرمایه گذاری فراوانی در تحقیق و توسعه داخلی انجام داده است که موجب شده است تا سرمایه گذاران خارجی نیز فعالیت های تحقیق و توسعه خود را بهبود ببخشند

وجود ماهیت ایستا در انتقال منافع که شرکت های چند ملیتی منتقل کرده اند و منجر به افزایش توانایی های داخلی نخواهد شد.
ضعف نهادهای نظارتی و چانه زنی که منجر به تسهیم نامتعادل منافع بین طرفین می شود.^{۴۳}

با وجود شرکت های چند ملیتی، همواره این ریسک در انتقال فن آوری وجود دارد تا این شرکت ها مانع توسعه فن آوری در کشورهای میزبان بشوند، زیرا شرکت های چند ملیتی از کارایی بالایی برای انتقال نوآوری های صورت پذیرفته در کشورهای توسعه یافته برخوردارند، ولی این کارایی در انتقال شیوه نوآوری به چشم نمی خورد، به عبارت دیگر شرکت های چند ملیتی کارایی لازم در انتقال دانش فنی را ندارند نه دانش چگونگی. سرمایه گذاران خارجی، سطحی از تحقیق و توسعه را در کشورهای در حال توسعه انجام می دهند که این میزان بسیار کمتر از مقداری است که برای جذب و بومی سازی فن آوری مورد نیاز است. به عنوان مثال تحقیق و توسعه صورت پذیرفته ای که شرکت های چند ملیتی آمریکایی، در خارج از این کشور، در ۱۹۹۱ یک درصد تحقیق و توسعه انجام شده در داخل این کشور بوده است. واقعیت این است که کشورهایی که به قابلیت های بالای فن آورانه دست یافته اند، سرمایه گذاری مستقیم خارجی را کرده اند زیرا این سرمایه گذاری از حضور شرکت های داخلی در فرایند یادگیری^{۴۴}، که بسیار طولانی مدت و پرهزینه است، جلوگیری می کند.^{۴۵}

نتیجه گیری

میان صاحب نظران توسعه، همواره این ایده مطرح بوده که جهش صادراتی در محصولات الکترونیکی کشورهای شرق آسیا به جز در موارد تایوان و کره که تا حدود زیادی متکی به شرکت های داخلی بوده اند، نه بر اثر قابلیت های داخلی بلکه در اثر حضور سرمایه های خارجی به ویژه ژاپن بوده است. حال که این سرمایه ها عقب نشینی کرده اند، فقط کشورهایی که موفق شده اند از حضور این شرکت ها استفاده کرده و شبکه تامین کنندگی و بازاریابی مناسبی ایجاد کنند و همچنین قابلیت های فن آورانه و تحقیقاتی خود را ارتقای کیفی دهند قادر خواهند بود صادرات خود را ادامه دهند. اما کشورهایی که در این زمینه تحرک مناسبی نداشته اند مسلماً افول صادراتی بی سابقه ای را تجربه خواهند کرد. سنگاپور و مالزی از جمله کشورهای گروه اول و تایلند، اندونزی و ویتنام هم در گروه دوم قرار دارند و باید منتظر عمیق شدن بحران اقتصادی آن ها باشیم. نکته

شرکت های سرمایه گذار خارجی ۷/۵ درصد کل صادرات کشور مجارستان را در ۱۹۹۶ بر عهده داشتند. در این میان، دولت مجارستان دریافته است که متعهد کردن شرکت های خارجی به تعهدات شان (به میزان سرمایه گذاری صورت پذیرفته توسط این شرکت ها)، به سختی امکان پذیر است. این دولت همچنین نتوانسته است از قدرت انحصاری این شرکت ها ممانعت به عمل آورد. مطالعه صورت گرفته بر روی ۱۰۰ شرکت خارجی سرمایه گذار در مجارستان نشان می دهد که تحقیق و توسعه صورت پذیرفته در چارچوب سرمایه گذاری مستقیم بسیار سطحی و کم عمق بوده و به جای افزایش سطح قابلیت های فن آورانه و گسترش تحقیقات کاربردی و پایه، فقط به توسعه تولید پرداخته است. تجربه کشورهای اروپای شرقی و مرکزی نیز نشان می دهد که سرمایه گذاری مستقیم خارجی نقش موثری در بهره وری نیروی انسانی این کشورها داشته، اما کمتر مشاهده شده است که این سرمایه گذاری ها باعث تقویت بنیان های علم و فن آوری داخلی در این کشور شده باشد.^{۴۰}

کره

کره به جای اعتماد صرف به فن آوری های وارداتی، سرمایه گذاری فراوانی در تحقیق و توسعه داخلی انجام داده است، که موجب شده است تا سرمایه گذاران خارجی نیز فعالیت های تحقیق و توسعه خود را بهبود ببخشند. سامسونگ در ۱۹۸۷، ۱۲/۶ درصد از فروش خود را به تحقیق و توسعه اختصاص داد. این کشور همچنین به تاسیس آزمایشگاه های تحقیق و توسعه در دره سیلیکون پرداخته است و این عمل همزمان با ورود کره به بازار DRAM به وقوع پیوست. این آزمایشگاه ها در جذب غیر کره ای ها بسیار مؤثر بودند. آزمایشگاه های تحقیق و توسعه در دره سیلیکون نقش جذب و شبیه سازی^{۴۱} فن آوری های تحت لیسانس برای تولید انبوه، را عهده دار بودند.^{۴۲}

سرمایه گذاری مستقیم خارجی و منافع ملی

سرمایه گذاری شرکت های چند ملیتی در کشورهای در حال توسعه با منافع ملی در تضاد است، زیرا نبود چهار عامل مهم در این کشورها به چشم می خورد: کمبود اطلاعات که فضای مطمئنی برای انتفاع دو طرف ایجاد می کند. وجود صنایع نوزاد که با حضور شرکت های چند ملیتی پدیده "تراجم" رخ می دهد و باعث خارج شدن صنایع نوزاد از بازار می شود.

پی نوشت:

1. Foreign direct investment
2. Multinational companies
۳. معصومه حاجیلی، نشریه روند ۲۸ و ۲۹.
4. Diversification of risk
۴. کتاب استراتژی توسعه صنعتی - مسعود نیلی و همکاران
6. know - how
7. Absorption
۸. Follower (به معنای پیروی تکنولوژیکی کشورهای واردکننده فن آوری از کشورهای خالق آن)
9. Tacit knowledge
10. Competitive advantage
11. Catch - up
12. New industrialized economies
13. Mark Rogers, Harris Manchester Coolege
۱۴. هنری ارگاس، سیاست‌های کلان تکنولوژی.
۱۵. تیزهوش، م. ۱۳۶۵.
16. Acquisition
17. Ionara Costa Sergio Robles de Queiroz, 2002
18. IFS (International financial statistics)
19. Alliance
20. Positive externality
21. Spill - over
22. internalized
23. parent company
24. externalized
25. know - how
26. know - why
27. Ivanova Costazool, 2001
28. Endogenous growth models
29. Rommer, 1996
30. Technological capability
31. operational
32. Improvement
33. Generation
34. Ivanova Costazool, 2001
35. Knowledge accumulation
36. Learning process
37. Ivanova Costazool, 2001
38. High - tech
39. Joint - venture
40. David A. Dyker, 2001
41. Ionara Costa, Sergio Robles de Queiroz, 2002
42. Assimilation
43. Jaeyong Song, 2000
44. Lall Sanjaya, 2002
45. Learning process
46. Lall, June 2000

برجسته‌تر آن که، این حضور سرمایه خارجی نیست که می‌تواند عنصری مؤثر برای توسعه پایدار به شمار رود، بلکه توان دولت و شرکت‌های میزبان، ایجاد قابلیت‌های گیرندگی فراوان و وجود نهادهای مناسب تکنولوژیکی است که روند توسعه را رقم می‌زند و این که آن‌ها تا چه حد قادرند قابلیت‌های ضروری برای میزبانی و تعامل فعال با سرمایه خارجی را ایجاد کنند و از آن به عنوان عاملی برای پایداری توسعه بهره برند. در این میان باید به ایجاد قابلیت‌های ذکر شده پرداخت و قوانین مربوطه را برای اصلاح و بهبود قابلیت‌ها تدوین کرد.

مآخذ:

- نیلی، مسعود و... استراتژی توسعه صنعتی، بخش سوم: فصل دهم: صفحه ۴۳۰ تیزهوش، م. شرکت‌های چند ملیتی و کشورهای جهان سوم، مجله اقتصادی، معاونت اقتصادی و بین‌المللی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، پانزدهم تیر ۱۳۶۵، ص ۱۱.
- "انتقال تکنولوژی"، مجله اقتصادی، معاونت اقتصادی و بین‌المللی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، شماره ۴، تیر ۱۳۶۷، صص ۲۸-۲۵.
- حاجیلی، معصومه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، روند ۲۸ و ۲۹.
- Lall. "FDI and development: policy and research emerging context", working paper number 43, Sanjaya, June 2000 issues in the
- Ionara Sergio Robles de Queiroz "Foreign direct and technological capabilities in Brazilian Costa, industry", research policy 31, (2002) 1431-1443 investment
- Dyker, David. "Technology exchange and the foreign business sector in Russia" research policy 30, (2001) A. 851-868.
- Jaeyong. "Technological Catching-up of Korea and in the Global Semiconductor industry: A study of Song, of technology Sourcing" Colombia university, Taiwan December 2000, discussion paper No. 15 modes
- Rogers, Mark. "Absorptive capability and economic growth: How do countries catch-up" Harris Manchester College.
- Xiaohui. Cheng gang Wang "Does foreign investment technological progress Evidence from chinese Liu, industries", Research policy 32, (2003) 945-953. facilitate
- Lall. "Linking FDI and technology development building and strategic competitiveness", Sanjaya, Colombo, Sri Lanka, 15-17 October 2002. for copacity